



9 فبروری 2014

داکتر سیدعبدالله کاظم

درسی که باید از گذشته آموخت: درباره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2009 (به استناد کتاب: کای آیدی: «مبارزه قدرت در افغانستان») Kai Eide: Power Struggle over Afghanistan

قسمت هشتم انتخابات به دور دوم می‌رود!

طوری‌که در قسمت دوم این سلسله راجع به تعیین تاریخ انتخابات و جدالهای پیرامون آن مفصلاً بحث صورت گرفت، روز انتخابات بتاریخ 29 اسد 1388 (20 اگست 2009) تثبیت گردید. در این روز که انتخابات ریاست جمهور و شوراهای ولایتی همزمان آغاز گردید، انتخابات ریاست جمهوری توجه مزید مردم، رسانه‌ها و مراجع بین‌المللی را به خود معطوف کرد. بدون شک این روز یک روز تاریخی برای کشور بود، بیش از 6000 حوزه انتخاباتی بطورعموم به ساعت 7 بجه صبح باز گردیدند و تا ساعت 4 بعد از ظهر پروسه رأی‌دهی ادامه یافت (البته به استثنای بعضی حوزه که دیرتر شروع کردند). با آنکه در طول روز مخالفان مسلح کوشیدند تا انتخابات را مختل سازند، اما حملات آنقدر وسیع و جدی طوری‌که پیشبینی می‌شد، صورت نگرفت. در آغاز 41 کاندید برای ریاست جمهوری ثبت نام کرده بودند که بعداً این تعداد به 32 کاندید تقلیل یافت و گفته می‌شود که در آن روز به تعداد 17 میلیون نفر برای اشتراک کارت رأی دهی حاصل کرده بودند.

رئیس بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) نادر نادری یافته‌های آن بنیاد را در روز انتخابات طی یک مصاحبه با رادیو آزادی چنین بیان کرد: «عدم بیطرفی برخی از کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات در پروسه رأی‌دهی، حمایت تعدادی از این کارکنان از شماری کاندیدان، نبود میکانیزم کنترل از عملکرد کارمندان این کمیسیون، شرکت تعداد زیادی از افراد زیر سنین هژده سال در پروسه رأی‌دهی، مسدود شدن قبل از وقت مراکز رأی‌دهی و آغاز شمارش آراء در ساعات اولیه روز در برخی از مناطق، رأی دادن مردان به عوض زنان، تهدید شدن رأی دهندگان توسط حامیان برخی از کاندیدان تا به آنان رأی دهند و امثال اینها از مواردی است که در روز انتخابات واقع شده است». (رادیو آزادی، مورخ 31 اسد 1388)

در حالیکه سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات گفته‌های فوق را رد کرد و اما مقامات کمیسیون بررسی شکایات گفتند که شکایات واصله را به زودی مورد بررسی قرار خواهند داد و نتایج را تا روز 26 سنبله اعلام خواهند کرد. اینکه چرا این وعده در آن روز عملی شده نتوانست و مشکلات عدیده مانع اینکار شد، سؤال است که پاسخ به آن قسماً در این می‌چت و نیز در قسمت‌های بعدی داده خواهد شد. کای آیدی در فصل بیست و دوم کتاب خود این موضوع را البته با نقش خودش و بعضی مشاوران خارجی در چگونگی پیشبرد پروسه انتخابات چنین بررسی کرده است:

روز انتخابات و مداخله بیشتر خارجی
(فصل بیست و دوم کتاب از صفحه 168 الی 176)
مترجم: محمدنعیم مجددی

در اولین روز انتخابات من با سکاٹ سمیت (Scott Smith) و هینه ملد فالد (Hanne Meldfald) که آمرین دفتر امنیتی ملل متحد بودند، در یکی از تراسهای قصر نمبر 7 کابل جمع شده نگران بودیم که هر آن ممکن

د پانو شمیره: له 1 تر6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

است در اثر یک حمله بزرگ حمام خون جاری گردد و انتخابات را قبل از آنکه به وقوع بپیوندد، در کابل و دیگر نقاط کشور به بن بست مواجه گرداند. صدای راکت ها و دیگر حوادث پراکنده در گوشه و کنار کابل به گوش می رسد و راپور های مشابهی را مرتباً از دیگر نقاط افغانستان در یافت می کردیم. اطاق مخصوصی جهت رسیدگی به امور انتخابات تعیین شده بود و مأمورین مربوط به دفتر ملل متحد به جمع آوری معلومات در باره مراکز رایدهی مشغول بودند. این دفتر، تماس دایمی ما و دیگر نمایندگی های ما را در ساحاتی که انتخابات جریان داشت، تأمین می کرد. باید تذکر دهم که مؤسسه ملل متحد بطور رسمی نمی توانست از امور انتخابات نظارت کند، زیرا کمیسیون مستقل انتخابات قبلاً این وظیفه را بدوش گرفته بود و ما فقط در امور انتخابات به این دفتر کمک می کردیم. به عبارت دیگر هرگاه یک رهنما یا ناظر در عین وقت بخواهد وظیفه تنظیم و تعدیل را نیز به دوش گیرد، بدون شک در تضاد و تصادم با منافع دیگران واقع خواهد شد. هر چند تعداد کارمندان ما زیاد نبود و نمی توانستیم در تمام نواحی افغانستان حضور داشته باشیم، ولی لا اقل نشان می دادیم که می خواهیم به مراکز رأی دهی کمک کنیم و از بروز تخلفات و بی قانونی ها جلوگیری نمائیم.

یک تعداد محدود کارمندان ملل متحد که حق نداشتند آزادانه گشت و گذار نمایند، در ولایت قندهار آنها موجود بودند، ولی در بعضی ولایات دیگر از قبیل هیلمند کدام نماینده نداشتیم. به اعضای همکار خویش می گفتیم تا حد امکان در صحنه های انتخاباتی حضور پیدا کنند و بدون اینکه حیات شان به خطر بیفتد، معلومات لازم را بدست آورند. در آنروز گالبریت (Galbraith) سه کنفرانس تیلیفونی با هشت دفتر نمایندگی مربوط به ملل متحد که هر یک چند ولایت منجمه 34 ولایت افغانستان را زیر پوشش می گرفت، تنظیم نمود. او تمام اوضاع مربوط را از نظر گذارند و به آنچه همکاران ما دیده و یا شنیده بودند، گوش فرا داد و راپور های مفصلی راجع به تقلبات انتخاباتی، حملات مسلحانه و اشتراک اندک رای دهندگان را در اختیار ما قرار داد. دقیقاً در همین روز بود که یک گروپ 20 نفری سفرای خارجی سه بار به دیدن ما در قصر نمبر 7 آمدند؛ جویای معلومات شدند و خود نظریات شانرا با ما در میان گذاشتند. بعد از آیساف (ISAF)، دفتر ملل متحد یگانه مرجع رسمی بود که در همه نواحی افغانستان حضور داشت و می توانست به سفرای مذکور معلومات ارائه دهد. نا گفته نماند که در اخیر این روز من ملاقات با مارک سدویل (Mark Sedwill) همتای جدید انگلیسی که تازه مقرر شده بود، داشتم و بعد از ملاقات دریافتم که تفاوت عجیبی در بین معلومات ما و آنچه که وی از روند انتخابات بعضی از ولایات جنوب کشور داشت، موجود بود. برتانیه (UK) قوای نظامی در ولایت هیلمند داشت، در حالیکه ما کدام دفتر و یا نمایندگی در آنجا نداشتیم و مجبور بودیم بر معلومات دست دوم و سوم اعتماد نمائیم. مارک سدویل نتیجه آرای هیلمند را بین 15 الی 20 فیصد تخمین کرد، در حالیکه تخمین های ما از 5-10 فیصد تجاوز نمی کرد. گفته می توانم که تخمین های ما به 5 فیصد نزدیکتر به نظر می رسد.

آقای سدویل و من موافقت کردیم که نتایج این معلومات حاصله را نباید به این زودی در اختیار نمایندگان کشور های دیگر قرار دهیم، زیرا این کار برای دفتر ملل متحد مناسب نخواهد بود. از دیگر سو در بین این دو تخمین تفاوت زیادی موجود بود و من می دانستم به مجردیکه این ارقام با دیگران در میان گذاشته شود، به زودی راهش را در رسانه ها باز خواهد کرد و به عنوان ارقام رسمی ملل متحد بر سر زبانها خواهد افتاد. بنا بر این، من از گالبرایت خواستم عجلتاً از دادن این معلومات به سفرای دیگر که دور میز مذاکره نشسته بودند، خود داری نماید. گالبرایت تردید نشان نداد و آنچه را که گفته بودم انجام داد.

چیزی که همه به آن توافق داشتیم، موضوع بی نظمی و بی قانونی قابل توجه در امر انتخابات بود. تا به کدام حد؟ سوالی است که تا هنوز کسی نمی تواند به آن جواب بدهد. البته بعضی معلومات که در این زمینه بما می رسید، قابل باور بود و اغلباً چیز هایی بود که اعضای دفاتر ما به چشم سر می دیدند و شاهدان عینی آن محسوب می شدند. بی قانونی به حدی بود که قبل از انتخابات چندین بکس مملو از ورقه های رایدهی در کابل یافت شده بود، همچنین یک سلسله حکایات و داستانهای دیگری نیز بود که مأمورین ما از مردم آنعه ولایاتی که ما در آن حضور نداشتیم، می شنیدند و برای ما خبر می دادند. راپور های تکان دهنده از جا هایی مواصلت می کرد که شاهدان ما نمی توانستند به علت نامساعد بودن امنیت و موجودیت تقلب کاری (که بسیار به سادگی صورت می گرفت)، به آنجا ها سفر نمایند.

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادونه: دليکنې دليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خبر و لولئ

اوایل بعد از ظهر که به یکی از مراکز رأی‌دهی پایتخت رفته بودم، مصاحبه ای با لیزا دوسیر (Lyse Doucer) نماینده بی.بی.سی انجام دادم. وقتی به دفترم برگشتم دیدم نمایندگان اخبار های خارجی و افغانی همه جمع اند و توقع دارند تبصره کوتاهی در باره انتخابات بنمایم. با اینکه مشکلات بی قانونی و بی امنیتی زیاد بود، ولی فکر کردم بهتر است تمجید مختصری از افغانها بنمایم، زیرا می دیدم که میلیون ها افغان بر علیه خطر طالبان قیام نموده و به پای صندوق های رأی رفته بودند و با اشتراک همگانی شان نشان دادند که مردم افغانستان بخصوص نسل جوان خواهان یک حکومت دموکراتیک می باشند. از این گذشته راپور های می رسید که هزاران مامور انتخاباتی وظایف شانرا به طور احسن انجام می دادند. بنا بر این، من به رسانه ها گفتم که این انتخابات موفقیت کمی برای افغانها نبوده و من واقعاً مدیون آنها هستم که رأی شانرا به صندوق ها ریخته اند و تشکر می کنم از آنهايي که امور انتخابات را تنظیم نموده و آخرین تلاشهای شانرا در تامین امنیت و پیشبرد پروسه انتخابات مبذول داشته اند.

هر چند بعضی از نمایندگان کشور های خارج، بلا درنگ انتخابات را موفقیت بزرگی قلمداد نمودند، ولی من احتیاط می کردم و در واقع ملاحظات خود را داشتم. حتی خبر نگار Lyse Doucer خبر نگار بی.بی.سی، متوجه احتیاط کاری من شده بود و می دید که من کلماتم را به دقت انتخاب می کنم. اینست که توضیحات من با آنچه که عده ای از نمایندگان قدرت های بزرگ به شمول سیاست مداران بلند پایه اظهار می کردند، همسانی داشت و در توافق با نظر ایشان معلوم می شد. رئیس جمهور اوپاما در ارتباط به سبعیتی که طالبان از خود نشان می دادند، بطور واضح و بالمقابل گفت " که اینک میلیون ها افغان حق انتخاب زعیم را دارا بوده، آینده شانرا خود رقم خواهند زد". سخنگوی وزارت خارجه امریکا گفت که اکنون به حوصله بیشتر نیازمندیم و باید قبل از اعلان نتایج نهایی، به مقامات مربوطه فرصت دهیم تا وظایف خویش را به درستی انجام داده بتوانند. با اینکه اصولاً همه ما یک چیز را می گفتیم، ولی عده ای از مراکز خبری فوراً ادعا کردند که من در مورد موفقیت انتخابات عجله نموده قبل از اینکه موعد معین آن فرا رسد، اعلان موفقیت آنرا نموده ام. چنین اخباری برای چندین هفته در تمام رسانه ها و در تمام راپور های مربوط به مؤسسات غیر دولتی تکرار گردید.

با اینکه از حمله بزرگی که (دریکی از مهمانخانه های ملل متحد) در کابل صورت گرفت واکثر مردم را به وحشت انداخته بود، تا هنوز خبری نبود، از نظر امنیتی روز دشواری را سپری نمودیم. باید بگویم که پس از سقوط طالبان هیچگاه این همه حوادث مختلف امنیتی در یک روز اتفاق نیافتاده بود. اکثر این حملات که دور از مناطق رأی‌دهی صورت می گرفت، بیشتر به قصد ترساندن و به وحشت انداختن رأی دهندگان بود، تا کشتن آنها. از دیگر سو، گرفتن اطلاعات دقیق از حوادث جاری کار آسانی نبود، زیرا حمله کنندگان در سراسر کشور پراکنده بودند و ما نمی توانستیم الی اخیر شب به تعداد واقعی حوادث و راپور های رسیده آگاهی حاصل کنیم. تنها 31 غیر نظامی به شمول 11 کارمند کمیسیون برگزاری انتخابات و 18 نفر پولیس و سرباز در یک روز به قتل رسیده بودند. اگرچه بهای تلفات وارده که جمعاً شامل 57 افغان می گردید، زیاد بود ولی با آنها در مقایسه با تلفات ناشی از یک حمله انتحاری در یک شهر بزرگ و یا یک هدف واحد، کمتر خواهد بود.

با اطلاع از کشته شدن 57 نفر افغان، من از تمام آنهايي که در پروسه برگزاری انتخابات همکاری نمودند و در تنظیم امور آن کوشیدند و تا حد توان تلاش کرده بودند انتخابات را در یک فضای امن برگزار کنند، قدردانی نمودم. البته داستان های زیادی از قانون شکنی ماموران انتخاباتی، افسران پولیس و دیگران بگوش می رسید، ولی در مجموع اکثریت دست اندرکاران انتخابات آنچه را که در توان داشتند، انجام می دادند که باید مورد قدردانی قرار می گرفتند.

در سراسر کشور نتیجه آرای عمومی به 38.7 فیصد تخمین زده شد که میزان کمتری نسبت به انتخابات قبلی را نشان داد و خود عامل دیگری برای برخورد های بیشتر بشمار می رفت. بنا بر این مردم نه تنها به پای صندوق های رأی نرفتند، بلکه فضای آکنده از شور و شغفی که آنها را در انتخابات قبلی به مراکز رأی‌دهی کشانیده بود، فروکش نموده از بین رفته بود.

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

هالبروک در یکی از سخنانش گفت که میخواست در کابل بماند و تا حد امکان روند انتخابات را از نزدیک مراقبت کند. او صبح 21 آگست به دفتر ما آمد و در اولین جلسه آنروز که در قصر نمبر 7 دائر بود، اشتراک کرد. آیکن بیری (Eikenberry) نیز با چند نفر اعضای دفترش به معیت هالبروک آمده بودند. در آنطرف میز مذاکرات گالبرایت (Galbraith)، مارچی کوک (Margie Cook)، من و دونفر معاونین بنام های Scoth و هاینه قرار داشتیم که واقعاً یک منظومه عجیبی را تشکیل داده بودیم، زیرا آیکن بیری نزدیک به من اخذ موقع کرد و گالبرایت که کارمند ملل متحد بود بیشتر از هالبروک تقرب یافته بود.

مطلب عمده هالبروک در این ملاقات این بود که کرزی نباید در این انتخابات برنده اعلان گردد و آنهمه قانون شکنی و بی نظمی جبران نخواهد شد، مگر اینکه انتخابات به دور دوم برود. ولی من که چنین نظری نداشتم و این پیشنهاد را ناممکن می دانستم، گفتم: اولاً ما که تا هنوز نتایج آرای دور اول انتخابات را نمی دانیم، چطور می توانیم از کرزی بخواهیم انتخابات را به دور دوم محول کند؟ گذشته از این، قانون اساسی افغانستان هم در صورتی رفتن به دور دوم انتخابات را مجاز می داند که هیچ کاندید بیشتر از 50 فیصد رأی را به دست نیاورده باشد. از دیگر سو، هفته ها وقت لازم است تا از نتایج آرای دور اول آگاهی حاصل کنیم. بناءً من نظر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا را تأیید می کنم که گفته بود: "باید منتظر نتیجه آرا باشیم و کمیته انتخابات را به حال خودش بگذاریم تا به کار هایش رسیدگی کند". بناءً من پیشنهاد هالبروک را که دقیقاً مخالف نظریات من بود، رد کردم و گفتم بهتر است این پیشنهاد را با رئیس جمهور مطرح نکنند: "باید بدانید که کرزی شما را به صفت شخصی که می خواهید وی را از میان بر دارد، خواهد دید". فکر میکنم آیکن بیری هم که در تمام این صحبت ها ساکت بود، طرفدار نظریات من بوده باشد. ولی من نظریات هالبروک را تغییر داده نتوانستم. او همچنان اصرار می ورزید و می گفت: "می داند چطور با کرزی معامله کند". گاهی فکر می کنم هالبروک ایراد های من را جدی نگرفته جنبه شخصی به آن داده باشد.

بعد از ختم این جلسه هالبروک به صحبت های تیلیفونی (کنفرانس کال) پرداخت و مذاکراتی را با نمایندگان خاص در امور افغانستان و پاکستان آغاز کرد و در حالیکه عین نظریات را دوباره تکرار می کرد، آماده رفتن به قصر ریاست جمهوری گردید.

ملاقات هالبروک و رئیس جمهور، طوریکه من پیشبینی نموده بودم، نتیجه مثبت نداد و آقای هالبروک نتوانست با این پیشنهاد چیزی بجز خشم کرزی را بدست آورد. رئیس جمهور کرزی که پیشنهاد هالبروک را به شدت رد کرده بود، میخواست بداند که وی چرا به دور دوم انتخابات اصرار می ورزد؟ اکنون کرزی می دانست که جامعه جهانی به رهبری هالبروک می خواهد موفقیت کرزی را در انتخابات زیر پا نموده نادیده بگیرد. گالبرایت بعداً گفت که من باید بعد از مجلس قصر نمبر 7 تیلیفونی کرزی را در جریان می گذاشتم و او را از پیشنهاد هالبروک آگاه می ساختم، ولی من اینکار را که برایم جالب نبود نکردم، چون هالبروک را قبلاً از این کار بر حذر ساخته بودم و گفته بودم که این پیشنهاد پروسه انتخابات را معلق خواهد ساخت. بنا بر این ضرورتی نبود که من قبل از ملاقات هالبروک این اطلاعات را به کرزی برسانم. من نمی خواستم خود را در یک فضای نا آرام و متشنج سهیم ببینم.

بعد از ملاقات هالبروک با کرزی، به دفتر ریاست جمهوری خواسته شدم و واقعاً فضای قصر را متشنج یافتیم و دیدم که رئیس جمهور کرزی بعد از گوش دادن به سخنان نماینده خاص ایالات متحده آمریکا و هیئت همراهان چقدر عصابانی به نظر می رسید. کوتاه اینکه پیش آمد هالبروک با کرزی اوضاع را بدتر ساخت و بر تمام تردید ها و شکاکیت های کرزی نسبت به سیاست آمریکا صحنه گذاشت. اگرچه من سعی کردم کرزی را قانع سازم و پیش آمد هالبروک را نه از طرف دولت آمریکا، بلکه ناشی از نظریات شخصی خود وی قلمداد کنم ولی دیگر دیر شده بود و کرزی هم تصمیم خود را گرفته بود.

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

آنچه را که بعد از انتشار اخبار «ویکی لیکس» در این زمینه می بینیم، واقعاً دلچسپ است و دیده می شود که چگونه از تمام راپور های مربوط به چندین ملاقات و صحبت های هالبروک در این روز، آنچه که به پیشنهاد مشخص وی به کرزی مربوط است، پاک شده و اثری از آن به نظر نمی رسد و چنین می نماید که موضوع چنان مهم و جنجال بر انگیز شده که تمام صحبت ها و ملاقات های ما را تحت الشعاع قرار داده بود. نظریات هالبروک به حدی زیانبار بود که به هیچ وجه نباید مورد توجه واشنگتن قرار می گرفت. اگرچه بعضی از مراکز خبری بشمول BBC این خبر را نشر کردند، ولی در خود مدیای پر و سر و صدای امریکا تا هنوز اثری از پیشنهاد هالبروک به نظر نمی رسد. یک امریکائی حاضر در مجلس مذاکرات برایم گفت که هالبروک بعد از ملاقات با کرزی راضی نبود و به زیاده روی خویش اعتراف نمود.

روز بعد من به دفتر رئیس جمهور کرزی بودم. همکاران و ماموران زیاد داخل و خارج می شدند و آخرین گزارشات مربوط به نتایج انتخابات را به اطلاع رئیس جمهور می رساندند. در این حین کرزی رو به من کرده گفت که 60 الی 65 فیصد آرا را به شمول بخش مهمی از نواحی شمال و مرکزی افغانستان که از بیک نشین، تاجیک نشین و هزاره نشین هستند، از آن خود ساخته است. ولی من که می دانستم که این ارقام صحت ندارند، به آقای کرزی گفتم که به تخمین من او فقط بیشتر از 50 فیصد آرا را که برای بردن دور اول انتخابات ضروری میباشد، برده است نه بیشتر از آن. با رئیس جمهور کرزی تمام موارد بی قانونی و تقلب در انتخابات را به بحث گرفتم و صحبت های مفصلی باهم در این زمینه انجام دادیم. وقتی کرزی از من پرسید: "به عقیده شما در کجا تقلب صورت گرفته؟" من فکر کردم رئیس جمهور که در موقعیت بهتری نسبت به من قرار دارد و آگاهی بیشتری از وطنش دارد، بهتر می تواند به این سوال جواب بگوید. کرزی به بعضی مراکز رأی دهنی در ولایت قندهار اشاره کرد و تصریح کرد که هر چند مقدار کثیر رأی در نواحی جنوب و شرق افغانستان را از دست داده است، ولی مردم نواحی دیگر کشور از وی حمایت کرده اند و شکی ندارد که برنده دور اول انتخابات خواهد بود.

بعضاً کار های حیرت آوری اتفاق می افتاد. به گونه مثال صندوق های رأی از جا های به مرکز می رسید که مراکز رأی دهنی آن اصلاً مسدود بوده و گشایش نیافته بودند. گاهی هم صندوق های مملو از ورقه های رأی دهنی در حالی به کابل مواصلت می کرد که در آن مناطق اصلاً مردم زیادی در انتخابات اشتراک نکرده بودند و یا بعضی مراکز رأی دهنی تعداد رأی دهندگان بالاتر از نفوس آن ناحیه بود. یکی از مراکز رأی دهنی تعداد مشابه رأی را در تمام حوزه های انتخاباتی نشان داده بود، در حالیکه این تعداد رأی به مراتب بیشتر از ورقه های رأی دهنی در آن حوزه بود و اصلاً اعتباری نداشت. بعضی از ورقه های رأی دهنی هم دقیقاً به همان شکلی که از طرف کمیسیون مستقل انتخابات توزیع شده بود و تا هنوز به یکدیگر چسپیده بودند، دسته دسته به صندوق های رأی ریخته شده بودند. به نظر می رسید که مؤظفین و مأمورین حوزه مربوط اصلاً این زحمت را به خود نداده بودند که ورق ها و یا فارم های رأی دهنی را لا اقل از هم جدا نمایند و بعداً به صندوق ها به اندازند!

بی قانونی و تقلب چشمگیر بود و غالباً رسوایی آور به نظر می رسید و هر کسی در همان نگاه اول میتوانست آنرا ببیند و لمس نماید. هر چند این کار به وظیفه من ربط نداشت و در قدم اول به کمیته مستقل انتخابات و بعداً هم به کمیسیون بررسی شکایات انتخاباتی تعلق می گرفت، ولی با آنهم اصرار داشتم که تعیین میزان تخلف و تقلب قبل از وقت است و هنوز از مرز های حدس و گمان فراتر نرفته و ما نمی توانیم تحت آن شرایط دور دوم انتخابات را دقیقاً پیش گوئی نمایم.

در 24 آگست بار دوم با رئیس جمهور کرزی ملاقات نمودم. او یک مقاله ای را که در گاردین لندن به چاپ رسیده بود، برایم خواند. در این مقاله یک کارمند عالی رتبه مؤسسه ملل متحد گفته بود که بهترین راه برای افغانستان همان رفتن به دور دوم انتخابات خواهد بود و بس. رئیس جمهور کرزی که خشمگین به نظر می رسید، فکر می کرد نظریات هالبروک در تمام یوناما (UNAMA) سرایت کرده و من هم در مؤسسه که مشغول به کار بودم، کنترولی ندارم. من که نگران رویداد های روز قبل بودم، به Jim Jones در واشنگتن تلفون نمودم و او را در ارتباط به ملاقات هالبروک با کرزی و اینکه چه اتفاقاتی روی داده است، در جریان گذاشتم.

د پانو شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولی

صحبت تلفونی من با جیمز جون نشان داد که پیشنهاد هالبروک بار دیگر به عنوان پیشنهاد شخصی خودش تلقی شده و واشنگتن هیچ اطلاعی از آن ندارد. آنگاه که هالبروک به واشنگتن برگشت، هم لحن و هم سیمای اخبار وی تغییر یافته بود. گمان اغلب بر آنست که واشنگتن او را به احتیاط کاری بیشتر فرا خوانده باشد.

کمیسیون مستقل انتخابات تصمیم گرفت نتایج رأی‌دهی را بطور کل به اطلاع عامه برساند. اولین نتیجه نیم میلیون رأی که در 25 اگست اعلان گردید، وضاحت چندانی ببار نیاورد زیرا کرسی 41 فیصد و داکتر عبدالله 39 فیصد آرا را به دست آورده بودند. چهار روز بعد مجموعه دیگر نتایج اعلان گردید که در این نوبت، رئیس جمهور به موفقیت بیشتری که 46 فیصد بود، دست یافت و عبدالله فقط 31 فیصد آرا را که تنزیل قابل ملاحظه را نشان می‌داد، از آن خود ساخته بود. ولی رمضان بشر دوست که به کاندید ضد فساد شهرت یافت بود، شاهدان افغانی و بین‌المللی را متعجب ساخته 10 فیصد آرا را به دست آورد. تنها اشرف غنی احمد زی موفقیت چندانی نداشت که برای من تعجب آور هم نبود، زیرا می‌دانستم افغانهای که تابعیت خارج را دارند و بیشتر عمر شانرا در خارج گذرانده اند، چانس چندانی برای انتخاب شدن نخواهند داشت. در هر حال توقع نداشتم اشرف غنی از 2 فیصد هم کمتر رأی بیاورد.

من که فکر می‌کردم مراحل دشوار انتخابات را پشت سر گذاشته ایم، این فکر را نکرده بودم که در اشتباه بزرگی سقوط کرده‌ام. باید بگویم که من در طول حیات کاری خویش چنان هفته‌ها و ماه‌های تلخ و عجیب را تجربه نکرده بودم. از سوی دیگر با اینکه من تمام انرژی و توجه خود را به انتخابات افغانستان معطوف ساخته بودم، ولی اجندای کاری دیگری (از قبیل حضور بیشتر قوای نظامی و تخلفات حقوق بشر در افغانستان) نیز فرا روی من قرار داشت که باید به آنها رسیدگی می‌کردم. (پایان فصل)
(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ